

حمایت اساسی از محیط زیست؛ مورد پژوهی قوانین اساسی حوزه‌ی آمریکای لاتین

دکترعلی مشهدی^۱

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۲۱

چکیده

حمایت دستوری از محیط زیست ناظر به ماهیت، مولفه‌ها و چگونگی حفاظت از محیط زیست در حقوق اساسی است. نظریه‌ی عمومی دستورگرایی زیست محیطی بر این انگاره مبتنی است که با ورود مسئله محیط زیست و ضرورت حمایت و حفاظت از آن در قانون اساسی به عنوان هنجار مرجع، شاهد اساسی سازی نظم حقوقی در این زمینه خواهیم بود. در این مقاله سعی شده است با رویکرد تطبیقی و برای نمونه به تحلیل محتوای قوانین اساسی حوزه‌ی آمریکای لاتین در توجه به مسائل مربوط به محیط زیست و حفظ منابع طبیعی پرداخته شود. فرضیه‌ی اساسی این مقاله بر این مبنا استوار است که امروزه توجه به مسئله محیط زیست در سطح قوانین اساسی به معنای تبعیت هنجارهای مادون و نظام حقوقی از هنجار مرجع و آثاری است که این حق می‌تواند در نظام حقوقی به همراه داشته باشد. امری که در قوانین اساسی حوزه‌ی آمریکای لاتین به نحو مطلوبی منعکس گردیده است.

واژگان کلیدی: حمایت دستوری، اساسی سازی، محیط زیست، آمریکای لاتین، قوانین

اساسی

مقدمه

دستورگرایی و اساسی سازی در حوزه‌ی محیط زیست موضوع نسبتاً جدیدی در حوزه‌ی مطالعات حقوق عمومی است. (Voir: Deville, 2014, 83-95 et Randrianandrasana, 2016, 122) برای نمونه این موضوع در فرانسه بعد از ۲۰۰۵ و ۲۰۰۸ با تصویب منشور اساسی محیط زیست و اصلاحات قانون اساسی در سطح هنجارهای مرجع خود را نشان داده است. (مشهدی، ۱۳۸۸، گرجی ازندریانی، ۱۳۸۸، ۴۰۵)

هر چند حقوق اساسی سنتاً علم بررسی نهادهای سیاسی بوده و برداشت‌های اولیه از این رشته نیز به بررسی ساختار دولت-کشور و روابط سازمانی بین نهادها مبتنی است، اما این نظام حقوقی پس تحول از رویکرد نهادی (حقوق اساسی نهادی) به سوی رویکرد جوهری و هنجاری تغییر شکل یافته است. (Laferrière: 1974, 1-3) اکنون حقوق اساسی صرفاً صورتبندی نهادهای سیاسی یا قدرت سیاسی نیست. مهمترین و برجسته‌ترین محتوا و کارکرد حقوق اساسی در کنار چارچوب بندی نهادها و پدیده‌های سیاسی شناسایی و تضمین حقوق شهروندان است. به عبارت دیگر حقوق اساسی شاخه‌ای است از حقوق عمومی داخلی که به روابط سیاسی بین فرمانرویان و فرمانبران می‌پردازد. (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۳، ۱) بدین سبب در رویکرد نهادی چندان نمی‌توان به پیوندهای میان این حوزه با حقوق محیط زیست دل بست. به عبارت رساتر هرگاه حقوق اساسی را به علم بررسی تنظیم قوا و تضمین حقوق تعریف نماییم؛ تضمین حق بر محیط زیست سالم در قسمت دوم این تعریف می‌گنجد. با این توصیف بعد از شکل‌گیری بحران محیط زیست به ویژه بعد از دهه‌ی هفتاد، بسیاری از قوانین اساسی کشورهای جهان این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند. در این نوشتار سعی شده است ضمن بیان نظریه‌ی عمومی حمایت دستوری از محیط زیست، برای نمونه این موضوع را در قوانین اساسی کشورهای حوزه‌ی آمریکای لاتین معرفی و تحلیل نماییم.

الف-نظریه‌ی عمومی دستور گرایی زیست محیطی

دستورگرایی زیست محیطی به لحاظ موضوعی با اندکی تأخیر در قوانین اساسی وارد شده (اساسی سازی شکلی) و سپس نقش خویش را به عنوان هنجار زیست محیطی مرجع ایفا نموده است. (اساسی سازی ماهوی). (ر.ک: تقی‌زاده دوغیکلا، ۱۳۸۳ و مشهدی، ۱۳۸۸، ۱۹۱) شکی نیست محتوای مسائل مطروحه در قوانین اساسی تابع مسائل بنیادین جامعه‌ی سیاسی است که می‌توان آن را در چارچوب نظریه عمومی تبعیت مسائل قانون اساسی از موضوعات بنیادین جامعه‌ی سیاسی قرار داد.

در دوره‌های نخستین تشکیل دولت-کشورها، مسئله‌ی محیط زیست چندان مورد توجه نبوده است. از این رو، جای تعجب نیست که چرا اکثر قوانین اساسی نخستین نظیر قانون اساسی ۱۹۵۸ و قوانین قبلی فرانسه و نیز قانون اساسی مشروطیت در ایران اشاره‌ی صریحی به ضرورت حفاظت از محیط زیست ننموده‌اند.

توجه به محیط زیست در قوانین اساسی حاصل تحول مسئله‌ی محیط زیست و گذار از یک موضوع ساده و غیر مهم به یک امر کلان و مهم و حاکمیتی است. از این رو، تحول در این زمینه در قوانین اساسی دنیا در یک بستر تاریخی حکایت از یک دگرگونی عمیق در مورد دل‌مشغولی‌هایی می‌نماید که یک قانون اساسی مدرن با آن مواجه بوده و یا در آینده با آن مواجه خواهد شد. بدین سان تطور تاریخی و نسلی موضوعات قانون اساسی نیز امری اجتناب‌ناپذیر دانست.

بعد از ظهور مسائل زیست محیطی و به دنبال آن طرح حق بر محیط زیست به عنوان یک حق بشری و حتی تکلیف دولت و جامعه‌ی سیاسی به حفاظت از آن، نسل جدیدی از قوانین اساسی ظهور پیدا کردند که غالب آنها به موضوعات مربوط به حفظ محیط زیست پرداخته‌اند. برخی از کشورها از جمله ایران سعی کردند به گونه‌ای صریح و گسترده اهمیت این امر را یاد آور شوند، (Ramazani Ghavamabadi: 2009,302) برخی دیگر به گونه‌ای کلی و غیر مستقیم توجه به محیط زیست را در سطح هنجار مرجع مورد توجه قرار دادند.

در حقوق ایران فرآیند دستورگرایی زیست محیطی را می‌توانیم به گونه‌ای مشخص در دو اصل ۵۰ و ۴۵ قانون اساسی بیابیم. (مشهدی، ۱۳۹۲، ۱۹۳) اصل ۵۰ به عنوان شاخص‌ترین اصل، با اجماع اعضای خبرگان قانون اساسی و بدون مخالفت تصویب گردید. آخرین اصلی که در جلسه ۵۴ مجلس بررسی نهایی قانون اساسی تصویب گردید، اصل پنجاهم قانون اساسی بود. این اصل بدون هیچ گونه رأی مخالف یا ممتنع و با رأی موافق کلیه اعضای حاضران در جلسه (۶۴ نفر) تصویب شد. (صورت مشروح مذاکرات، ۱۳۶۱، ۱۳۶۱) به موجب این اصل «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی روبه رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است».

آن دسته از قوانین اساسی که قبل از دهه‌ی ۷۰ (قوانین اساسی سنتی) تصویب گردیدند، هیچ اشاره‌ای به حفاظت از محیط زیست ننموده و این امر طبیعتاً به معنای غفلت تدوین‌کنندگان این قسم از قوانین اساسی نبوده است. چراکه در همین دوران می‌توان به برخی از قوانین اساسی اشاره نمود که به مسئله‌ی منابع طبیعی پرداخته‌اند. در برخی آراء و متون نیز سعی می‌گردید از برخی

عبارات به صورت غیر مستقیم برای حفظ محیط زیست استفاده گردد. MELIN-SOUCRAMANIEN et Joseph PINI, 1993, 38) اما منظور غفلت از رویکرد حفاظتی در بیان اصول قانون اساسی است. برای نمونه در حقوق فرانسه قبل از دستورگرایی زیست محیطی شاهد تبلور این امر در سطح هنجارهای تقنینی هستیم. (Véronique: 2005, 35)

دوم آن دسته از قوانین اساسی که از دهه‌ی ۷۰ تا دهه‌ی ۹۰ تصویب گردیده‌اند. (قوانین اساسی سبز) این دسته به لحاظ تاریخ تصویب قوانین اساسی در نیمه‌ی دوم قرن بیستم به دلیل ظهور دولت کشورهای جدید، حکایت از تولد و تکثر قوانین اساسی جدید داشت. دهه‌های شصت و هفتاد قرن بیستم به لحاظ ظهور مسئله‌ی محیط زیست و تسری آن به سطح سیاسی و افکار عمومی نیز مقارن با این تکثر تاریخی قوانین اساسی گردید. بدین سان مشاهده می‌شود که آن دسته از قوانین اساسی که در این برهه‌ی تاریخی به تصویب رسیده‌اند؛ موضوع محیط زیست را مورد توجه قرار داده و به آن پرداخته‌اند.

در مرحله‌ی سوم می‌توان به آن دسته از قوانین اساسی اشاره نمود که از دهه‌ی نود به این سوی تصویب گردیده، یا آرام آرام دستخوش اصلاح شده‌اند؛ علاوه بر مسئله محیط زیست به موضوع توسعه پایدار نیز پرداخته‌اند. (Cans, 2005, 194-203 et Jacqueline Morand-Deville, 2008) توجه به موضوع توسعه‌ی پایدار زیست محیطی نیز، تابع تحولات حقوق بین‌الملل محیط زیست و برگزاری کنفرانس ریو دوژانیرو بود و به‌گونه‌ای ملموس بر قوانین اساسی تأثیر نهاد. اکثر قوانین اساسی حوزه‌ی آمریکای لاتین در زمره‌ی آن دسته از قوانینی محسوب می‌شود که از نیمه‌ی دوم قرن بیستم بدین سوی تصویب گردیده‌اند. بنابراین توجه به محیط زیست در قانون اساسی این کشورها قوی است. در ادامه سعی شده است با رویکردی تطبیقی جایگاه این مسئله برای نمونه در قوانین اساسی حوزه‌ی آمریکای لاتین بررسی و تحلیل شود.

ب- مطالعه‌ی موردی رویکرد قوانین اساسی آمریکای لاتین

در حوزه‌ی آمریکای لاتین مسئله‌ی محیط زیست، به دلیل اهمیت اکولوژیکی منابع زیستی در آنها همواره مورد توجه هنجارهای اساسی بوده است. اما توجه قوانین اساسی این حوزه به یک شکل و میزان نیست، برخی در این زمینه مستقیم و برخی غیر مستقیم، برخی کشورها زودتر و برخی دیگر هنگام به سمت دستورگرایی در حوزه‌ی محیط زیست پیش رفته‌اند. تعدادی از کشورها متأثر از رویکردهای اکو مارکسیستی نیز هستند. (فاستر، ۱۳۸۱ و مشهدی، ۱۳۹۲، ۱۱۰) در ادامه به اختصار محتوای دستور گرایی زیست محیطی قوانین اساسی این منطقه بررسی شده است.

۱. شیلی؛ شناسایی حق بر محیط زیست و تکالیف دولت

قانون اساسی ۱۹۸۰ شیلی با اصلاحات بعدی طی بند ۸ ماده ۱۹ و به‌گونه‌ای سلبی حق بر زندگی در محیط زیست عاری از آلودگیⁱ را مورد شناسایی قرار می‌دهد. همچنین قانون اساسی نظارت بر حمایت از این حق و حفاظت از طبیعت را از تکالیف دولت معرفی می‌نماید. علاوه بر این قانون اساسی به دولت اجازه‌ی تصویب قوانینی را به‌منظور تثبیت محدودیت‌هایی در راستای حقوق و آزادی‌ها به‌منظور حفاظت از محیط زیست را می‌دهد.ⁱⁱ (Carruthers, 2003, 343)

علاوه بر این دولت مجاز خواهد بود تا روش‌هایی را برای تحصیل اموال و استفاده و بهره برداری از آنها در راستای حفاظت از میراث زیست محیطیⁱⁱⁱ اتخاذ نماید.

نکته‌ی مهم دیگر که در ماده ۲۰ قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است؛ حق بر اقامه‌ی دعوی در دادگاه به دلیل نقض حق بر زندگی در محیط زیست سالم است.

۲. برزیل، مصداق قانون اساسی سبز

قانون اساسی برزیل به‌گونه‌ای مفصل به مسئله محیط زیست پرداخته است. ماده ۲۲۵ قانون اساسی ۱۹۹۸ برزیل طی چندین پاراگراف رئوس مطالب مربوط به محیط زیست را مشخص نموده است. (Voir: Durmonde, 2002, 83-108 et Edesio, 1991, 41) به‌موجب این ماده «هرکس حق بر محیط زیست متوازن را که منفعت عمومی^{iv} متعلق به مردم و برای زندگی سالم ضروری است را دارد. دولت و جامعه مکلف به حمایت و حفاظت از محیط زیست برای نسل‌های حاضر و آینده هستند.»

در ادامه ماده و در پاراگراف نخست در خصوص تکالیف دولت موارد ذیل را مقرر داشته است.

الف- حفاظت و احیاء منابع اکولوژیکی حیاتی و مدیریت اکولوژیکی گونه‌ها و اکوسیستم‌ها.
ب- حفاظت از تنوع و تکامل میراث ژنتیکی کشور و نظارت بر نهادهایی که برای تحقیق و تکثیر مواد ژنتیکی فعال هستند.

ج- تعیین نمودن همه بخش‌های کشور و آن دسته از اماکن قلمرو سرزمینی و مواردی که باید به گونه‌ای خاص حفاظت گردند و هرگونه تغییر یا تجاوز تنها توسط قانون مجاز خواهد بود. ممنوع نمودن هرگونه بهره برداری که تمامیت و خصوصیت آنها را به خطر انداخته؛ باید توجیه حفاظتی داشته باشد.

د- مقرر نمودن اولویت‌های ارزیابی اثرات زیست محیطی که توسط مقامات عمومی شناخته می‌شود برای تأسیسات و فعالیت‌هایی که ممکن است به تخریب عمده محیط زیست منجر گردد.

ه - کنترل تولید، به‌کارگیری روش‌های اقتصادی، متدها و موادی که مضر به حیات، کیفیت زندگی و محیط زیست هستند.

و- ارتقای آموزش زیست محیطی^v در کلیه سطوح آموزشی و آگاهی عمومی از ضرورت حفاظت از محیط زیست.

ی- حفاظت از گیاهان و جانوران، ممنوعیت کلیه اقداماتی که کارکردهای زیستی آنها را به خطر اندازد و به انقراض گونه‌ها یا بی رحمی نسبت به حیوانات منجر گردد.

موضوع بسیار مهم دیگری که در قانون اساسی برزیل به آن پرداخته شده است؛ وجود جنگل‌های آمازون به عنوان ریه‌های حیاتی کره زمین و لزوم حفاظت از آن است.

قانون اساسی در این زمینه مقرر می‌دارد: «جنگل‌های آمازون برزیل، جنگل آتلاتیک و.. بخشی از ثروت ملی^{vi} محسوب می‌شود باید آن گونه که در قانون مقرر گردیده و تحت شرایطی که حفاظت از محیط زیست را تضمین نماید بهره‌برداری گردند.» (پاراگراف چهارم ماده ۲۲۵)

همچنین مقرر گردیده است که «اقدامات یا فعالیت‌هایی که به آسیب به محیط زیست توسط افراد یا اشخاص حقوقی منجر گردد مستوجب مجازات از طریق ضمانت‌های اداری و کیفری خواهد بود.» (پاراگراف سوم)

علاوه بر این قانون اساسی در خصوص مسئولیت مدنی این دسته از اشخاص مقرر می‌دارد که این دسته از افراد متعهد به «جبران خسارات وارده به محیط زیست» هستند.

علاوه بر این قانون اساسی در خصوص بهره برداران از منابع معدنی بازسازی هرگونه خسارت به محیط زیست را مقرر می‌نماید. (پاراگراف دوم ماده ۲۲۵)

در زمینه استقرار راکتورهای هسته‌ای نیز در بند آخر مقرر گردیده است که «مکان مربوط به تأسیسات توسط راکتورهای هسته‌ای باید بر اساس قانون فدرال تعیین شوند و در غیر این صورت نباید به اجرا در آیند.»

۳. ونزوئلا و اهمیت منابع طبیعی

محیط زیست ونزوئلا به‌علت وجود جنگل‌های انبوه آمازون، نواحی صحرایی و همچنین مرتفع‌ترین آبشار جهان، بزرگترین دریاچه‌ی آمریکای جنوبی و نفت فراوان و علاوه بر آن شرایط آب و هوایی شهرت بسیار دارد. قانون اساسی ونزوئلا مصوب ۱۹۶۱ به ضرورت حفاظت از منابع

طبیعی این کشور تأکید دارد. ماده ۱۰۶ (فصل پنجم عنوان پنجم) قانون اساسی ۱۹۶۱ ونزوئلا با اصلاحات بعدی در زمینه‌ی حفاظت از محیط زیست مقرر می‌دارد: «دولت به حمایت و حفاظت از منابع طبیعی در قلمرو سرزمینی توجه می‌نماید.»

۴. اروگوئه، و نفع مشترک ملت

قانون اساسی ۱۹۶۶ اصلاحی اروگوئه حمایت از محیط زیست را به‌عنوان نفع مشترک^{vi} معرفی نموده است. مطابق ماده ۴۷ قانون اساسی این کشور که اعلام می‌دارد:

«حمایت از محیط زیست نفع مشترک ماست»

این بیان قانون اساسی اروگوئه مبین محتوای مدرن حق بر محیط زیست در این کشور است که جنس این مسئله را به صورت یک نفع مشترک و همگانی اعلام می‌دارد. نفعی که به هیچ وجه نمی‌توان آن را در قالب «نفع متقابل» اعضای جامع تحلیل نمود. در ادامه قانون اساسی مقرر می‌دارد:

«اشخاص باید از هرگونه اقدامی که به نابودی، تخریب یا آلودگی جدی محیط زیست منجر گردد؛ اجتناب نمایند.»

۵. سورینام، حفظ محیط زیست هدف اجتماعی دولت

قانون اساسی ۱۹۸۷ سورینام طی ماده ۶ بخش ۳ فصل سوم حمایت و حفاظت از محیط زیست را به‌عنوان یکی از اهداف اجتماعی نامبرده است. مطابق این ماده:

«ایجاد و بهبود شرایط لازم برای حمایت از طبیعت و حفاظت از توازن اکولوژیکی به عنوان یکی از اهداف اجتماعی دولت محسوب می‌شود.»

۶. پرو و تکلیف دولت به بهره برداری پایدار

قانون اساسی ۱۹۹۳ پرو دولت را مجاز می‌دارد که «سیاست ملی زیست محیطی را تعیین نماید.»

همچنین این قانون دولت را مکلف به ارتقای «بهره برداری پایدار از منابع طبیعی» می‌نماید. (ماده ۶۷) علاوه بر این ماده ۶۸ دولت را موظف به «حفاظت از تنوع زیستی و مناطق حفاظت شده طبیعی و توسعه‌ی پایدار منطقه آمازون با قوانین کافی می‌داند.»

۷. پاراگوئه و آشتی توسعه‌ی انسانی و حفاظت

به‌موجب ماده ۷ قانون اساسی پاراگوئه « هر کس حق بر زندگی در محیط زیستی سالم به لحاظ اکولوژیکی متوازن را دارد.» بنابراین اولویت منافع اجتماعی «حفاظت، احیاء و بهبود محیط زیست به گونه‌ای است که این اهداف را با توسعه‌ی انسانی همه گیر آشتی دهد.» قانون اساسی محدودیت و ممنوعیت فعالیت‌هایی را که برای محیط زیست مضر است و قانونمند نمودن فعالیت‌هایی را که به تخریب محیط زیست منجر می‌شوند و همچنین تعیین و تثبیت ضمانت‌های اجرایی برای جرایم زیست محیطی را مجاز میدارد. (ماه ۸) قانون اساسی اختصاصاً تولید پسماندهای سمی در کشور را ممنوع نموده و علاوه براین مقرر می‌دارد که «هرگونه خسارت به محیط زیست مستوجب تعهد به بازسازی و پرداخت خسارت خواهد بود.»

۸. پاناما و تعهدات زیست محیطی دولت

ماده ۱۴ قانون اساسی ۱۹۷۲ پاناما مقرر می‌دارد: «دولت تعهدی بنیادین نسبت به تضمین محیط زیست سالم، زنده، عاری از آلودگی هوا، آب و مواد غذایی مناسب با توسعه‌ی زندگی مردمان را دارد.»

همچنین قانون اساسی در مورد تعهدات دولت و کلیه سکنه قلمرو سرزمینی پاناما مقرر می‌دارد که: «ارتقای توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی به گونه‌ای که از آلودگی محیط زیست جلوگیری نموده، توازن اکولوژیکی را حفظ و از تخریب اکوسیستم جلوگیری نماید.» (ماده ۱۱۵) علاوه بر این در ماده ۱۱۶ مقرر می‌دارد که: «دولت اقدامات ضروری را به منظور تنظیم، نظارت و اعمال به گونه‌ای مناسب جهت تضمین بهره برداری معقول از منابع زمین، رودخانه و حیات دریایی، جنگلها و آبها به عمل می‌آورد و از استفاده ناروا جلوگیری؛ حفاظت تداوم و احیاء از آنها را تضمین می‌نماید.»

ماده ۱۱۷ نیز اختصاص به منابع طبیعی تجدید ناپذیر دارد. این ماده دولت را متعهد به تنظیم «منافع حاصله از منابع طبیعی تجدید ناپذیر به منظور جلوگیری از تضییع منافع اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی می‌نماید.»

۹. نیکاراگوئه؛ حقوق و تکالیف زیست محیطی دولت وشهروندان

ماده ۶۰ قانون اساسی اصلاحی ۱۹۸۶ این کشور مقرر می‌دارد: «هر نیکاراگوئه‌ای حق بر زندگی در محیط زیست سالم را دارد.» قانون اساسی همچنین تصریح دارد که حفاظت، حمایت و احیاء محیط زیست و منابع طبیعی تکلیف دولت است.» علاوه براین قانون اساسی در ماده ۱۰۲ مقرر

می‌دارد که «حفاظت و حمایت از محیط زیست و بهره‌برداری معقول از منابع طبیعی از مسئولیت‌های دولت است.»

۱۰. آرژانتین؛ توسعه‌ی پایدار و مصادیق آن

ماده ۴۱ قانون اساسی ۱۹۹۴ آرژانتین مقرر می‌دارد که «همه‌ی سکنه از حق بر محیط زیست سالم و متوازن به‌گونه‌ای با توسعه‌ی انسانی و فعالیت‌های سودمند تناسب دارند که نیازهای نسل حاضر را بدون به مخاطره انداختن نیازهای نسل‌های آتی بر می‌آورند. برای حمایت از این حق و به‌منظور بهره‌برداری معقول از منابع طبیعی و برای حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی و تنوع زیستی و برای تأمین اطلاع و آموزش زیست محیطی ... از این حق بهره‌مند می‌باشند.»

قانون اساسی همچنین حمایت از محیط زیست را تکلیف شهروندان می‌داند. قانون اساسی مقرر می‌دارد: «به عنوان اولویت نخستین، خسارت به محیط زیست تعهد به جبران آن را به همراه خواهد داشت.» در بند ۴ ماده ۴۱ نیز واردات پسماندهای بالقوه و بالفعل خطرناک^{viii}، و نیز واردات پسماندهای رادیو اکتیو ممنوع اعلام گردیده است.

۱۱. بولیوی و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی

قانون اساسی ۱۹۶۷ بولیوی با اصلاحات بعدی طی مواد ۱۷۰ و ۱۷۳ احکامی را درخصوص بهره‌برداری از منابع طبیعی اعلام نموده است که به حوزه‌ی محیط زیست نیز ارتباط پیدا می‌نماید. به موجب ماده ۱۷۰ «تنظیم سیستم بهره‌برداری از منابع طبیعی تجدیدپذیر و مقررات مربوط به حفاظت و گسترش آنها وظیفه دولت است». علاوه بر این در ماده ۱۳۷ نیز مقرر گردیده است که «کلیه سکنه در قلمرو ملی موظف به احترام و حفاظت از میراث ملی هستند.»

۱۲. کلمبیا و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های زیست محیطی

ماده ۷۹ قانون اساسی ۱۹۹۱ کلمبیا حق بر محیط زیست را به گونه‌ای فردی مورد شناسایی قرار داده است. به موجب این ماده: «هر فرد حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم را دارد.» مسئله مهم دیگر که در کمتر قانون اساسی مورد شناسایی قرار گرفته است؛ مسئله‌ی مشارکت در تصمیم‌گیری‌های زیست محیطی است. قانون اساسی طی ماده ۷۹ مقرر می‌دارد که «قانون امر مشارکت در تصمیم‌گیری‌هایی را که محیط زیست را تحت تأثیر قرار می‌دهند را تضمین می‌نماید.»

علاوه بر این قانون اساسی در خصوص تکلیف دولت بر حفاظت از محیط زیست موارد ذیل را مقرر می‌نماید: «حمایت از تنوع؛ کلیت محیط زیست، حفاظت از مناطق حفاظت شده و مهم، تشویق آموزش برای دستیابی به این اهداف، برنامه ریزی و مدیریت و بهره‌برداری از منابع طبیعی به منظور تضمین توسعه‌ی پایدار، حفاظت و احیا و بازسازی ... علاوه بر این کنترل و آگاهی به فاکتورهای تخریب محیط زیست، تحمیل ضمانتهای اجرایی حقوقی و مطالبه جبران هرگونه خسارات وارده به محیط زیست و همکاری با سایر کشورها در زمینه حمایت از اکوسیستم‌هایی واقع در خارج از قلمرو سرزمینی ...» (ماده ۸۰)

علاوه بر این قانون اساسی ضمن برشمردن تکالیف دولت در این زمینه طی ماده ۹۵ حمایت از منابع طبیعی و فرهنگی و حفظ محیط زیست سالم را تکلیف هر فرد کلمبیایی می‌داند. (ماده ۹۵)

۱۳. کاستاریکا و حق اقامه‌ی دعوای زیست محیطی

قانون اساسی کاستاریکا در شناسایی حق بر محیط زیست سالم «حق محور» است تا «تکلیف بنیان» و مسئله دیگری که در این قانون مشهود است توجه به ضمانت‌ها و مسئله‌ی دادرسی زیست محیطی است. ماده ۵۰ قانون اساسی اصلاحی مصوب ۱۹۴۹ مقرر می‌دارد که «هرکس حق بر محیط زیست سالم و متعادل را دارد. دولت از این حق دفاع، حفاظت و تضمین خواهد نمود. همچنین دولت قوانین و مقرراتی را که مسئولیت‌ها و ضمانت‌ها را معین خواهد نمود.»

در نهایت قانون اساسی در خصوص اقامه‌ی دعوای خسارت مقرر می‌نماید که «هرکس حق سرزنش اعمالی را دارد که این حق را (حق بر محیط زیست) را تهدید و همچنین حق اقامه‌ی دعوای جبران خسارت برای زیانهای وارده را خواهد داشت.» (ماده ۵۰)

۱۴. کوبا و مشارکت شهروندان

ماده ۲۷ قانون اساسی اصلاحی ۱۹۹۲ کوبا اختصاص به مسئله‌ی محیط زیست دارد. به موجب این ماده «دولت از محیط زیست و منابع طبیعی کشور حفاظت می‌نماید. رابطه‌ی نزدیکی میان اقتصاد پایدارⁱ و توسعه‌ی اجتماعی^x به منظور تضمین استمرار، رفاه، و امنیت نسل حاضر و نسل آینده وجود دارد.» در ادامه نظیر قانون اساسی ایران حفاظت از محیط زیست را تکلیفی عمومی ذکر نموده است که اعم از دولت یا شهروند می‌شود. (کیال، ۱۳۸۳، ۲۷۹) «... تکلیف هر شهروند است که بر امر حمایت از آب و هوا (جو) و حفاظت از خاک، گیاهان و جانوران و پتانسیل غنی طبیعت^{xi}، مشارکت نماید.»

۱۵. اکوادور و اصل اقدام احتیاطی

قانون اساسی سال ۲۰۰۸ این کشور، مواد ۱۴ و ۱۵ خود را به موضوع حمایت از سلامتی محیط زیست اختصاص داده است. براساس ماده ۱۴ مردم اکوادور حق زندگی در یک محیط زیست سالم متوازن را دارند، به گونه‌ای که پایداری و حیات خوب را برای آنان تضمین نماید. در ادامه این ماده برخی از اقدامات در این راستا را به مثابه منفعت عمومی مردم اکوادور شناسایی شده است. از جمله این‌ها می‌توان به حفاظت از محیط زیست، حمایت از اکوسیستم‌ها، تنوع زیستی و جلوگیری از ورود خسارات به محیط زیست اشاره نمود.

در ماده ۱۵ نیز به تکالیف دولت در این زمینه پرداخته است. از جمله این که دولت موظف شده است، بخش عمومی و بخش خصوصی را در ترغیب استفاده از تکنولوژی‌های پاک ارتقا داده و تشویق نماید. همچنین در ادامه با بیان برخی از مصادیق اقدامات مخرب محیط زیست از جمله مواد شیمیایی خطرناک و پسماندهای هسته‌ای، تولید، انتقال و واردات آنها را ممنوع اعلام نموده است.

لازم به ذکر است، پیش از این نیز ماده ۸۶ قانون اساسی ۱۹۹۸ اکوادور به شناسایی حق بر محیط زیست سالم پرداخته و مقرر می‌نماید که «هرکس حق بر زندگی در محیط زیست سالم و متوازن و تضمین توسعه‌ی پایدار را دارد».

ماده ۹۰ قانون اساسی سابق نیز به بیان تدابیر پیشگیرانه و به طور ضمنی به اصل اقدام احتیاطی می‌پردازد. به موجب این ماده «در فرض تردید در آثار و عواقب منفی زیست محیطی، هر فعل^{xi} یا ترک فعل^{xii}، دولت تدابیر پیشگیرانه^{xiv} را اتخاذ خواهند نمود؛ هرچند که ادله‌ی علمی کافی برای ورود خسارت وجود نداشته باشد».

۱۶. السالوادور، کودکان و محیط زیست

ماده ۳۴ قانون اساسی اصلاحی ۱۹۸۳ این کشور در خصوص حق کودکان مقرر می‌دارد که «هر کودک حق بر زندگی در خانواده و شرایط زیست محیطی^{xv} را دارد که اجازه‌ی ارتقای همه جانبه را بدهد». ماده ۶۹ قانون اساسی نیز در خصوص تکلیف دولت برای حفاظت از محیط زیست «کنترل کیفیت تولیدات غذایی و شرایط زیست محیطی که سلامتی و رفاه را تحت تأثیر قرار می‌دهد..» را بر می‌شمرد. (ماده ۶۹)

۱۷. گواتمالا و تعهد دولت به حفظ توازن اکولوژیکی

قانون اساسی اصلاحی ۱۹۸۵ گواتمالا در ماده ۹۳ حق بر سلامتی را به عنوان حقوق بنیادین بشر که بدون هرگونه تبعیض قابلیت اعمال را دارد را اعلام می‌دارد. در ماده ۹۷ نیز در خصوص تعهدات دولت نیز مقرر می‌دارد که «دولت و ارکان آن و کلیه سکنه قلمرو سرزمینی ... توسعه‌ی تکنولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی را ارتقا داده و از آلودگی محیط زیست پیشگیری نموده و توازن اکولوژیکی آن را حفظ خواهد نمود». همچنین دولت مقررات ضروری را به منظور تضمین بهره برداری از گیاهان و جانوران، خاک و آب به گونه‌ای معقول و مرتفع ساختن تهی سازی آنها را اتخاذ خواهد نمود.»

۱۸. گویان و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی

ماده ۳۶ قانون اساسی ۱۹۸۰ با بیان حقوق نسل‌های آینده نسبت به منابع طبیعی مقرر می‌دارد: «در راستای منافع نسل‌های حاضر و آینده، دولت بهره برداری معقول از خاک منابع معدنی و آبی، گیاهان و جانوران را حمایت نموده و اقدامات ضروری را به منظور تضمین و حمایت و بهسازی محیط زیست به عمل خواهد آورد.» همچنین قانون اساسی، مشارکت در فعالیتهایی را که به ارتقای محیط زیست منجر می‌گردد را تکلیف هر شهروند می‌داند. (ماده ۲۵)

۱۹. هندوراس؛ رابطه حق بر سلامتی و محیط زیست

ماده ۱۴۵ قانون اساسی هندوراس مصوب ۱۹۸۲ به مسئله محیط زیست پرداخته است. به موجب این ماده حق هر شهروند به به حمایت از سلامتی هریک مورد شناسایی قرار گرفته و دولت موظف به حفظ شرایط زیست محیطی و رضایت بخش به منظور حمایت از سلامتی هریک از افراد می‌باشد.

نتیجه‌گیری

تا سالیان متمادی بعد از نهضت دستور گرایی، مسئله محیط زیست چندان مورد توجه دولتها نبود. در چارچوب نظریه تبعیت مسائل قانون اساسی از موضوعات نسلی، محتوای قوانین اساسی تابع مسائل بنیادین جامعه‌ی سیاسی هستند. به همین جهت بعد از آشکار شدن بحران محیط زیست

در کشورها، به ویژه بعد از دهه‌ی ۷۰، قانون اساسی نیز کم کم مسئله محیط زیست را به عنوان یک مسئله‌ی بنیادین مورد توجه قرار داد. فرآیندی که می‌توانیم آن را دستورگرایی زیست محیطی نام نهم. قوانین اساسی کشورها در این خصوص دستخوش اصلاح و تغییر گردیدند و بعد از ورود به هنجارهای مرجع کم کم جایگاه ویژه‌ای در نزد مراجع قضایی و نهادهای ناظر و پاسدار قانون اساسی یافتند. امری که می‌توانیم آن را گذار از دستور گرایی شکلی به دستور گرایی ماهوی توصیف نماییم. در این مقاله سعی گردید برخی از ابعاد حمایت دستوری از محیط زیست با ارجاع ویژه به قوانین اساسی کشورهای حوزه‌ی آمریکای لاتین تحلیل و بررسی گردند. همان گونه که ملاحظه می‌شود، طیف متعددی از مسائل زیست محیطی در قوانین اساسی این حوزه مورد اشاره قرار گرفته است؛ اما نقطه اشتراک تمامی آنها توجه به لزوم حمایت دستوری از محیط زیست است. امری که می‌تواند در صورت اساسی سازی واقعی این حق، نقش بسیار حیاتی را در حفظ، بهبود و ارتقای حق بر محیط زیست سالم برای شهروندان ایفا نمایند.

فهرست منابع

۱. تقی‌زاده دوغیکلا، جواد، (۱۳۸۸)، «مسأله اساسی سازی نظم حقوقی»، *مجله پژوهش‌های حقوقی شهردانش*، ش ۱۱.
۲. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، (۱۳۶۱)، انتشارات اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی.
۳. فاستر، جان بلامی، (۱۳۸۱)، اکولوژی مارکس، ماتریالیسم طبیعت، ترجمه اکبر معصوم بیگی، نشر دیگر، چاپ اول.
۴. قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل، (۱۳۷۳)، *بایسته‌های حقوق اساسی*، چ اول، نشر یلدا، ۱۳۷۳.
۵. کیال مهسا و مهرنوش کیال، (۱۳۸۳)، «حقوق محیط زیست در منظر قانون اساسی»، در، *مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران*، انتشارات برگ زیتون، چ اول.
۶. گرجی ازندریانی، علی اکبر، (۱۳۸۸)، «تکثر و تنوع هنجاری در حقوق اساسی فرانسه»، *مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی*، شماره ۵۰، صص ۳۴۸-۳۲۴.
۷. مشهدی، علی، (۱۳۹۲)، *حق بر محیط زیست سالم*، انتشارات میزان، چ اول.
۸. مشهدی، علی، (۱۳۸۸)، «تحولات اخیر حق بر محیط زیست در حقوق اساسی فرانسه»، *نشریه حقوق اساسی*، شماره ۱۱، صص ۲۰۴-۱۹۱.
9. Cans, Chantal (septembre 2005), «La Charte constitutionnelle de l'environnement : évolution ou révolution ou droit français de l'environnement» *Revue Juridique de droit de l'environnement n°131*.
10. Carruthers, D. (2001). Environmental politics in Chile: legacies of dictatorship and democracy. *Third World Quarterly*, 22(3), 343-358.
11. Drummond, J., & BARROS-PLATIAU, A. F. (2006). Brazilian environmental laws and policies, 1934-2002: a critical overview. *Law & Policy*, 28(1), 83-108.
12. Ferdinand MELIN-SOUCRAMANIEN et Joseph PINI, (19930, Constitution et droit de l'environnement, Juris-Classeur Environnement, Fascicule, N°152.
13. Fernandes, E. (1992). Law, politics and environmental protection in Brazil. *Journal of Environmental Law*, 4(1), 41-56.
14. Jacqueline Morand-Deville, (2008), «La justice administrative vue par Jacqueline Morand-Deville», *Lettre de la justice administrative*, Conseil d'état, Numéro 19.
15. Jacqueline, Morand-Deville, J. (2014). L'environnement dans les constitutions étrangères. *Les nouveaux cahiers du Conseil Constitutionnel*, (2), 83-95.
16. Laferrière, Julien, (1947), *Manuel de droit constitutionnel*, Montechestien, Paris.
17. Randrianandrasana, I. (2016). La protection constitutionnelle de l'environnement à Madagascar. *Revue juridique de l'environnement*, 41(1), 122-139.

18. Ramazani Ghavamabadi ,Mohammad Hossein,(2009), «l'application du droit à l'environnement en Iran», *Proceeding of International Conference on Human Rights and Environment*, Tehran, Univrsity of Shahid Beheshti.
19. Véronique, Inserguet-Brisset,(2005), Droit de l'environnement, Presses Universités de Rennes.

ⁱ Right to live in an environment free from contamination

ⁱⁱ در واقع به‌موجب این بخش از قانون اساسی شیلی دولت اجازه دارد تا در جهت حمایت از محیط زیست حقوق و آزادی‌های شهروندان را محدود نماید.

ⁱⁱⁱ Environmental patrimony

^{iv} Public good

^v Environmental education

^{vi} National wealth

^{vii} Common interst

^{viii} Present or potential dangerous wastes

^{ix} Sustainable economy

^x Social developement

^{xi} Rich potential of nature

^{xii} Act

^{xiii} Ommission

^{xiv} Preventive measures

^{xv} Environmental conditions